



## بررسی ابعاد حقوقی حمله به زیرساخت های ایران در گفت و گو با ریچارد فالك گزارشگر پیشین سازمان ملل

# حملات آمریکا مصداق جنایت علیه بشریت است



عسکر قهرمانبور

### گفت وگو

#### عسکر قهرمانبور

سردیر ایران دبلی

پروفسور ریچارد فالك از برجسته‌ترین حقوق‌داناان معاصر در حوزه حقوق بین الملل، استاد بازنشسته دانشگاه پرینستون و گزارشگر ویژه پیشین سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر

با توجه به حملات آمریکایه زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، این اقدامات را از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا چنین حملاتی می‌تواند نقض حقوق بین الملل تلقی شود؟ چنانچه این اقدامات به‌صورت عمدی و بدون هرگونه ابهام صورت گرفته باشد، مصداق نقض کثیری حقوق بین‌الملل خواهد بود و در صورتی که از حیث گستره و شدت به آستانه لازم برسد، می‌تواند در چارچوب جنایت علیه بشریت، آن‌گونه که در اصول نونبرگ تدوین شده است، قرار گیرد. به‌طور مشخص، حملات علیه زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی، هم نقض حقوق و قواعد حاکم بر خصامات مسلحانه (Law of Armed Con-flict) و هم نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه (Humanitarian Law) محسوب می‌شود. البته در برخی شرایط، ممکن است طرف مهاجم با استناد به اصل ضرورت نظامی (Mili-tary Necessity) برای مشروع جلیوه دادن حمله به برخی اهداف استدلال کند؛ اما تاکنون هیچ‌گونه شواهدی مشاهده نکرده‌ام که نشان دهد ایالات متحده یا اسرائیل چنین ادعایی را درخصوص این حملات مطرح کرده باشند.

آیا معتقدید حقوق بین الملل در قبال ایران به‌صورت گزینشی اجرا می‌شود؟ اگر چنین است، این استانداردهای دوگانه چه تأثیری بر اعتماد دولت‌ها به نظم حقوقی بین‌المللی دارد؟ تفاوت آشکار میان ادعاهای مطرح‌شده درباره نقض حقوق بین‌الملل از سوی ایران- در حالی که این کشور در برابر یک جنگ تجاوزکارانه و تحریک‌نشده از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از خود دفاع کرده است- و متاع جامعه بین‌المللی از محکوم کردن اسرائیل به دلیل حمله‌ای که ماهیتی نسل‌کشانه به غزه داشته و از منظر حقوق بین‌الملل اقدامی مجرمانه محسوب می‌شود، نمونه‌ای روشن از استانداردهای دوگانه در اجرای حقوق بین‌الملل است. به‌کارگیری چنین معیارهای دوگانه‌ای از سوی یکی از قدرت‌های بزرگ، اقتدار حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند؛ زیرا حقوق بین‌الملل همدستی در نقض حقوق استوار است که اشخاص و دولت‌های هم‌وضعیت باید به‌طور برابر مورد برخورد قرار گیرند. نتیجه این رویکرد آن است که حقوق بین‌الملل، نه به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور، بلکه به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری با تبلیغات سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ابزاری که علیه رقا و دشمنان به کار گرفته می‌شود، اما هرگاه اتهام نقض حقوق بین‌الملل متوجه دوستان و متحدان باشد، نادیده گرفته یا رد می‌شود. تردیدی نیست

در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است. آثار و دیدگاه‌های او طی چند دهه گذشته نقش مهمی در مباحث مربوط به حقوق بین‌الملل، جنگ، حقوق بشر و نظم جهانی ایفا کرده و از او چهره‌ای شناخته‌شده و تأثیرگذار در محافل دانشگاهی و حقوقی جهان ساخته است.

در این گفت‌وگوی اختصاصی، پروفسور فالك ابعاد حقوقی حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران و ظرفیت نظام حقوق بین‌الملل برای پاسخگویی به این اقدامات را بررسی

می‌کند. او ضمن نقد استانداردهای دوگانه در اجرای حقوق بین‌الملل، محدودیت‌های ساختاری شورای امنیت را تشریح کرده و راهکارهایی برای پیگیری مسئولیت حقوقی، مستندسازی ادله و بهره‌گیری از سازوکارهای بین‌المللی و ابتکارات جامعه مدنی پیشنهاد می‌دهد. این گفت‌وگو تصویری روشن از چالش‌های حقوق بین‌الملل معاصر و مسیرهای پیش‌روی ایران در عرصه حقوقی و دیپلماتیک ارائه می‌کند.

که چنین رفتاری، اقتدار، اعتبار و مشروعیت حقوق بین‌الملل را به‌شدت تضعیف و بنیان‌های نظم حقوقی بین‌المللی را متزلزل می‌سازد.

بارضی آنکه ادله و مستندات موجود برای انتساب مسئولیت حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی ایران به ایالات متحده و رژیم صهیونیستی کافی باشد، این دو پراساس حقوق بین‌الملل چه مسئولیت‌های حقوقی خواهند داشت؟

پاسخ روشن و قطعی به این پرسش دشوار است؛ زیرا در حقوق بین‌الملل، سوابق قضایی و رویه‌های حقوقی اندکی درباره مسئولیت ناشی از معاونت، مشارکت یا مساعدت در ارتکاب نقض‌های حقوق بین‌الملل وجود دارد.

موضوع در ارتباط با آنچه نسل‌کشی اسرائیل در غزه و نیز سیاست‌های جنگ‌افروزانه این رژیم در منطقه توصیف شده، از رهگذر بررسی حمایت‌های سیاسی، دیپلماتیک و مادی کشورهای دموکراتیک غربی مطرح شده است؛ اما تاکنون این مباحث عمدتاً در عرصه گفت‌وگوهای عمومی و از سوی ابتکارات جامعه مدنی پیگیری شده‌اند. از جمله این ابتکارات می‌توان به دادگاه بین‌المللی غزه (Gaza Tribunal)، دادگاه غزه در بریتانیا درباره همدستی دولت بریتانیا در جنایت جنگی غزه و کمیسویت این کشور در قبال اقدامات مجرمانه نظامی اسرائیل در غزه اشاره کرد.

افزون براین، چه سازوکارهای حقوقی برای پاسخگو کردن این دولت‌ها وجود دارد؟

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم، تاکنون تنها ابتکارات جامعه مدنی به‌طور جدی به موضوع همدستی در نقض حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند و آن هم عمدتاً در ارتباط با اقدامات رژیم صهیونیستی. از منظر حقوق بین‌الملل، چنانچه ثابت شود برخی کشورهای حوزه خلیج فارس اجازه داده‌اند قلمرو آنها در اختیار پایگاه‌های نظامی ایالات متحده قرار گیرد و این پایگاه‌ها در عملیات تجاوزکارانه علیه ایران مورد استفاده واقع شده باشند، امر این می‌تواند دعوای مطالبه

متحد می‌تواند قطعنامه‌هایی تصویب کند که از جمله دربردارنده توصیه‌هایی به سایر نهادها برای ایجاد یک دادگاه ویژه (Ad Hoc Tribunal) جهت رسیدگی به جنایات جنگی باشد؛ همان‌گونه که در گذشته در ارتباط با رواندا و بوسنی اقداماتی از این دست صورت گرفت. افزون بر این، مجمع عمومی می‌تواند از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست رأی مشورتی (Advisory Opinion) کند تا دیوان درباره مبانی حقوقی شکایات ایران و شیوه‌های جبران خسارت احتمالی اظهار نظر کند. اما درخصوص دیوان بین‌المللی دادگستری باید توجه داشت که این دیوان، صرفاً با ارائه دادخواست از سوی ایران، صلاحیت رسیدگی پیدا نمی‌کند. اعمال صلاحیت توافقی دیوان مستلزم آن است که ایالات متحده یا رژیم صهیونیستی نیز صلاحیت دیوان را در آن اختلاف بپذیرند یا به‌نحوی با رسیدگی قضایی موافقت کنند.

در چنین صورتی، دیوان می‌تواند درباره موضوعاتی از جمله این پرسش حقوقی اظهارنظر کند که آیا حملات صورت‌گرفته در ۲۸ فوریه و حملات متعاقب آن، از منظر حقوق بین‌الملل اقدام تجاوزکارانه محسوب می‌شود یا خیر، و در نتیجه آیا ایران حق داشته است براساس حق ذاتی دفاع مشروع که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، از خود دفاع کند یا نه.

### چنانچه حملات آمریکا به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران به‌صورت عمدی و بدون هرگونه ابهام صورت گرفته باشد، مصداق نقض کثیری حقوق بین‌الملل خواهد بود و در صورتی که از حیث گستره و شدت به آستانه لازم برسد، می‌تواند در آن‌گونه که در اصول نونبرگ تدوین شده است، قرار گیرد

با توجه به نفوذ سیاسی قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل متحد، آیا به نظر شما ایران می‌تواند به‌طور واقع‌بینانه از طریق سازوکارهای موجود حقوق بین‌الملل به عدالت دست یابد، یا باید راهبردهای حقوقی و دیپلماتیک جایگزین را دنبال کند؟

بار دیگر با پرسشی مهم روبه‌رو هستیم که ارائه پاسخی کوتاه و در عین حال جامع به آن دشوار است. روشن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد، به دلیل فلج شدن سازوکار تصمیم‌گیری آن در نتیجه اعمال حق وتو، عملاً نمی‌تواند محل مناسبی برای پیگیری مطالبات ایران باشد؛ مگر آنکه صرفاً بستری برای طرح شکایات حقوقی ایران، درخواست رسیدگی و جلب توجه جامعه بین‌المللی به ملاحظات بشردوستانه فراهم آورد. با ساختار کنونی سازمان ملل متحد، این سازمان قادر نیست در قبال درخواست‌های ایران عدالت را محقق سازد و در حال حاضر نیز هیچ سازوکار رسمی در درون نظام سازمان ملل با جامعه بین‌المللی وجود ندارد که بتواند چنین هدفی را تضمین کند.

از این رو، ممکن است برای ایران مفید باشد که از تشکیل یک دادگاه مردمی وابسته به جامعه مدنی حمایت کند؛ مشابه دادگاه‌هایی که در سال‌های اخیر برای بررسی شکایات فلسطینیان تشکیل شده‌اند و توانسته‌اند توجه افکار عمومی جهانی را جلب کرده و زمینه فعالیت‌های مدنی و ابزار همبستگی بین‌المللی را فراهم‌آورند. در این زمینه، دادگاه دائمی مردمان (manent Peoples Tribunal) مستقر در رم، سابقه طولانی در برگزاری دادگاه‌های مردمی درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات حقوق بین‌الملل دارد و می‌تواند الگوی مناسبی باشد.

ایران برای تقویت پرونده حقوقی خود درباره حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی، چه نوع ادله و مستنداتی را باید جمع‌آوری و حفظ کند؟

ایران باید یک آرشیو جامع و نظام‌مند از ادله و مستندات ایجاد کند که دست‌کم شامل موارد زیر باشد:

و قربانیان؛ اسناد و مدارک فنی مربوط به حملات؛

و نیز نظریات کارشناسی متخصصان برجسته حقوق بین‌الملل که به‌صورت رسمی ثبت و مستندسازی شده باشد؛ به‌ویژه دیدگاه‌های حقوق‌دانان معتبر غیرایرانی که از اعتبار علمی و حرفه‌ای بین‌المللی برخوردارند.

همچنین، مشورت و همکاری با دبیرخانه دادگاه بین‌المللی غزه در استانبول می‌تواند سودمند باشد؛ زیرا این نهاد تلاش گسترده‌ای برای ایجاد آرشیوی مستند از جنایات ارتكابی در غزه انجام داده و تجربه ارزشمندی در زمینه مستندسازی ادله بین‌المللی کسب کرده است.

بسیاری از ناظران معتقدند هنگامی که قدرت‌های بزرگ درگیر باشند، حقوق بین‌الملل فاقد سازوکارهای اجرایی مؤثر است. آیا تجربه ایران این ضعف ساختاری را نشان می‌دهد؟ چه اصلاحاتی را برای تقویت اجرای حقوق بین‌الملل پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ ساده به این پرسش آن است که حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت باید لغو شود. اما تحقق چنین اصلاحی مستلزم موافقت همان پنج عضو دائم شورای امنیت است؛ امری که دست‌کم در آینده قابل پیش‌بینی، حتی احتمال اندکی نیز برای وقوع آن وجود ندارد. راهکار دیگری که اندکی عملی‌تر به نظر می‌رسد- هرچند خود می‌تواند مخاطرات و تنش‌هایی به همراه داشته باشد- آن است که ائتلافی از کشورهای جنوب جهانی ظرفیت مستقلی برای اجرای حقوق بین‌الملل ایجاد کنند؛ شاید در قالب توسعه نقش بریکس یا با همکاری نزدیک با چین.

بی‌تردید، تجربه ایران از مواجهه با آنچه تجاوز هدفمند خوانده می‌شود، ضعف ساختاری نظام هنجاری موجود را آشکار می‌کند؛ نظامی که به‌گونه‌ای همراه‌کننده مدعی حمایت از جهانی مبتنی بر حاکمیت قانون است. به نظر من، توصیف دقیق تر این وضعیت آن است که اذعان کنیم ایران در معرض مدیریت اقتدارگرایانه و خصمانه امنیت جهانی بر پایه ژئوپلیتیک نظامی گرایانه قرار گرفته است؛ مدیریتی که نه تابع محدودیت‌های حقوقی است و نه در برابر هیچ سازوکار مؤثر پاسخگویی قرار دارد.

حتی اگر ایران نتواند آرای الزام‌آور حقوقی علیه ایالات متحده یا رژیم صهیونیستی اخذ کند، آیا پیگیری مستمر حقوقی و دیپلماتیک همچنان می‌تواند پیامدهای مهم سیاسی، دیپلماتیک یا تاریخی، از جمله تقویت پاسخگویی بین‌المللی، به همراه داشته باشد؟

ضروری است که ایران استدلال‌های حقوقی مستند، دقیق و مبتنی بر ادله کافی را در حمایت از این ادعا که حقوق حاکمیتی و تمامیت سرزمینی آن به‌عنوان یک دولت مستقل به شدت نقض شده است، به جامعه بین‌المللی ارائه کند. حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی ایران، چارچوب آنچه سناریوی جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده و اسرائیل توصیف می‌شود، باید تا حد امکان فاقد مشروعیت جلوه داده شود؛ حتی اگر نهادهای مراجع رسمی بین‌المللی قادر نباشند آن را به‌طور رسمی غیرقانونی اعلام کنند.

اگر امروز مشاور حقوقی دولت ایران بودید، چه نقشه راه حقوقی و دیپلماتیکی برای پیگیری مسئولیت ناشی از حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی ایران پیشنهاد می‌کردید؟

نخست پیشنهاد می‌دادم یک کمیسیون بین‌المللی متشکل از حقوق‌دانان برجسته تشکیل شود که مأموریت آن بررسی و ارائه گزارش درباره ابعاد حقوق بین‌الملل جنگ علیه ایران باشد. پیشنهاد دوم آن است که در ایران یا کشوری دیگر، یک دادگاه مردمی جامعه مدنی با عنوان «دادگاه بین‌المللی جنگ علیه ایران» (International Tribunal on the Iran War) تأسیس شود. گردآوری نظام‌مند اسناد، مدارک، شهادت‌ها و نظرات کارشناسی توسط چنین نهادی این ظرفیت را دارد که تصویری جامع و مستند از وقایع را در اختیار افکار عمومی جهان قرار دهد؛ تصویری که می‌تواند بر برداشت جهانی از مشروعیت و عدم مشروعیت اقدامات طرف‌های درگیر اثرگذار باشد و به‌طور غیرمستقیم، تفسیری متعادل‌کننده‌تر از جایگاه و کارکرد حقوق بین‌الملل در این منازعه ارائه دهد.

## جهان

### بدون روتوش



#### محمد محسن فایفی

کارشناس مسائل فلسطین

### برگزاری اولین انتخابات درون لیستی: چپ اسرائیل بازمی‌گردد؟

انتخابات کنست حدود صد روز دیگر برگزار خواهد شد. در انتخابات اسرائیل هر فرد داخل سرزمین‌های اشغالی در پای صندوق نام یک لیست را به سید رأی می‌اندازد و با توجه به درصدی که هر لیست کسب می‌کند، تعدادی کرسی به آنها تعلق می‌گیرد.

پس اصلی‌ترین محور انتخابات کنست در اسرائیل، لیست‌ها هستند. هر لیست یک نام و سرلیست دارد. براساس قانون حدود ۵۰ روز قبل از روز انتخابات لیست‌ها باید به کمیته انتخابات تحویل داده شود و این کمیته حداکثر ۲۵ روز قبل انتخابات تأیید نهایی لیست‌ها را اعلام می‌کند. البته موارد اندکی و کمتر از پنج مورد تغییر یا حذف فردی از لیست‌ها اتفاق افتاده است. در نهایت لیست‌ها حدود ۱۰ روز قبل انتخابات رسماً اعلام و فرآیند انتخاباتی رسمی می‌شود. هرچند هیچ قانون محدودیت زمان تبلیغات و... وجود ندارد و لذا اکنون هم فضا کاملاً انتخاباتی؛ از دعوای سیاسی تا برگزاری میتینگ‌ها و... را شاهدیم.

اعضای لیست‌ها برخی با انتخابات درون حزبی مثل لیکود، کارگر یا ائتلاف باهم مشخص می‌شوند، برخی توسط سرلیست مثل لیست آیزنکوت و برخی توسط شوراهای مشخص یا خام‌اعظم مثل لیست‌های حردی‌ها ائتلاف می‌افتد. حزب دموکرات به سرلیستی گولان که نتیجه ائتلاف کارگر با مرتض دو حزب قدیمی جریان چپ است؛ اولین حزبی است که انتخابات درون لیستی‌اش را برگزار کرد. براساس نتایج ناعما لازیمی، گیلعاد کاریو و افرات رایتن پس از گولان در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

پیروزی قاطع ناعما لازیمی برای کسب رتبه دوم، مهم‌ترین اتفاق این انتخابات بود. لازیمی در سال‌های اخیر به یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های جناح چپ اسرائیل تبدیل شده و نقش فعالی در اعتراضات علیه اصلاحات قضایی دولت نتانیاوو و نیز پیگیری مطالبات اجتماعی داشته است. قرار گرفتن او بلافاصله پس از یائیر گولان، نشان می‌دهد بدنه حزب از رویکردی که بر عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و دفاع از نهادهای دموکراتیک تأکید دارد، حمایت می‌کند. همچنین تثبیت جایگاه گیلعاد کاریو، خام‌اصلاح طلب و رئیس پیشین کمیته قانون اساسی کنست، بیانگر حفظ وزن جریان لیبرال و سکولار در جریان چپ است.

اما آنچه فضای عبیری را شوکه کرد، مشارکت ۸۵ درصدی اعضای حزب کارگر در تعیین لیست بود. درصدی که برای یک انتخابات درون حزبی در اسرائیل رقم بسیار بالایی است؛ آن هم برای حزبی که از دهه ۹۰ به حاشیه رفته است. البته براساس نظرسنجی‌ها پیش‌بینی می‌شود این لیست بتواند ۱۱ کرسی کسب کند.

این کسب‌وکار، جالب‌ترین اصل حزب کارگر همچنان حفظ این شور و تبدیل آن به آرای عمومی در انتخابات کنست است؛ زیرا نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد رقابت اصلی در اردوگاه مخالفان نتانیاوو میان احزاب میانه‌رو و ائتلاف‌های جدید مثل آیزنکوت در جریان است و حزب دموکرات برای افزایش کرسی‌های خود باید فراتر از پایگاه سنتی چپ رأی جذب کند. آیا کنار رفتن نتانیاوو، مقدمه‌ای بر بازگشت دوران اوج چپ اسرائیلی خواهد شد؟ صد روز باید صبر کرد. برخی معتقدند اگرچه جامعه صهیونیستی به مرور در سه دهه اخیر به سمت راست و تندروی حرکت کرده و نتایج آن در انتخابات‌ها و لیست‌ها به عیان است؛ اما تداوم این تندروی‌ها و فشار بر برخی قانون‌ها و تلاش‌ها برای تغییر قانون دیوان عالی و... چه‌باا تحریک به کنش و بازیابی قدرت گذشته خواهد کرد و شکاف‌ها را بیش‌تری کند.

### خبر

#### موافقت ترامپ با توافق هسته‌ای ۳۰ ساله با عربستان

براساس گفته مقام‌های آمریکایی، «دونالد ترامپ» به طور رسمی یک توافق مهم با عربستان سعودی را تأیید کرده است که به این کشور امکان ایجاد برنامه هسته‌ای غیرنظامی را می‌دهد و احتمالاً راه را برای غنی‌سازی اورانیوم در خاک عربستان باز می‌کند.

به گزارش وال استریت ژورنال، این توافق جدید که قرار است ۳۰ سال اعتبار داشته باشد، ارزشی در حدود ده‌ها میلیارد دلار خواهد داشت. هدف این توافق آن است که شرکت‌های آمریکایی نقش اصلی در توسعه زیرساخت‌های هسته‌ای عربستان سعودی داشته باشند و در عین حال، رقیبای شرکت‌های آمریکایی می‌توانند در عربستان سعودی یک تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم بسازند؛ مشروط بر اینکه مطالعه مشترک آمریکا و عربستان نتیجه‌گیری کند که چنین پروژه‌ای توجیه‌پذیر است.

انتظار می‌رود این توافق توسط «کریس رایت» وزیر انرژی آمریکا و «عبدالعزیز بن سلمان» وزیر انرژی عربستان، به امضا برسد. همچنین انتظار می‌رود این توافق در روزهای آینده برای بررسی به کنگره آمریکا ارائه شود و احتمالاً با مخالفت برخی قانونگذاران روبه‌رو خواهد شد.